

بررسی و بازخوانی دیدگاه‌های مرجعیت فقهی قرآن و تعداد آیات فقهی آن

محمدعلی توحیدی^۱

چکیده

مرجعیت فقهی قرآن در استنباط احکام شرعی، همانند مرجعیت علمی این کتاب آسمانی، مسئله مهمی است که توجه قرآن‌پژوهان را به خود جلب نموده است و نیز درباره تعداد آیات فقهی قرآن نیز مباحث گسترده‌ای شکل گرفته و پژوهش‌هایی در این خصوص انجام شده است. پرسش تحقیق حاضر این است که چه دیدگاه‌هایی درباره مرجعیت فقهی قرآن و تعداد آیات فقهی آن شکل گرفته و کدام دیدگاه از سایرین برتر است؟ این تحقیق با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به این یافته‌ها رسیده که دیدگاه مرجعیت تلفیقی قرآن و سنت و اصالت آن دو در استنباط احکام فقهی در میان مسلمانان مشهور بوده و قابل دفاع است. از طرفی با توجه به وجود مبانی و پارادایم‌های استنباطی مختلف درباره آیات فقهی قرآن، شکل‌گیری دیدگاه‌های مختلف و آرای متشتت درباره تعداد آیات فقهی قرآن دور از انتظار نیست؛ اما بر مبنای استفاده حداکثری از ظرفیت فقهی قرآن، اقوال موجود راه صواب را نییوده‌اند و رسیدن به تعداد جامع از آیات فقهی این کتاب آسمانی، نیازمند پژوهش فراگیر در این زمینه است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، آیات فقهی، مرجعیت فقهی، دیدگاه‌ها، بررسی

۱. دکترای فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده علوم اسلامی، (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان

ایمیل: towhidiz1352@gmail.com



مقدمه

قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی و معجزه جاویدان پیامبرخاتم، حضرت محمد (ص)، حاوی برنامه هدایت انسان از ظلمت و تاریکی به سوی نور است (حدید: ۹) که با ترسیم اصول و قواعد جامع، موجب تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان گردد. قرآن کتابی است که محتوای آن، اساس و زیربنای اسلام را تشکیل می‌دهد (خطبه: ۱۹۸). با توجه به آیه ۸۹ سوره نحل؛ «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» و آیه ۳۸ سوره انعام؛ «مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ»، موضوع و مسئله گستره مرجعیت قرآن، توجه مفسران و قرآن‌پژوهان را به خود جلب نموده است (سیوطی، ۱۴۰۸: ۱۲-۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱، ۵۹-۶۰). در دوره جدید با پیشرفت سریع و پرشتاب دانش‌های بشری، این موضوع در میان دانشمندان مسلمان به صورت جدی‌تر مطرح شده است.

احکام فقهی یکی از بخش‌های مهم دین اسلام است که موجب شکل‌گیری دانش فقه در عالم اسلامی گردیده است؛ همان‌گونه که مرجعیت قرآن در سایر علوم مورد توجه واقع شده، در علم فقه نیز مطرح است و این پرسش به وجود می‌آید که قرآن مرجع انحصاری تشریع و استنباط احکام فقهی است یا در کنار سنت، دارای مرجعیت فقهی است و تعداد آیات فقهی آن چه مقدار است. در این زمینه، دیدگاه‌های متعدد و گوناگونی شکل گرفته و آثار متعدد نوشتاری اعم از تألیفی و پژوهشی نگارش یافته است. در زمینه آیات الاحکام یا آیات فقهی قرآن، حدود ۱۰۸ کتاب توسط علمای فریقین نگارش یافته (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲، ۱۷۹۵-۱۸۰۱) که از آن جمله می‌توان به احکام القرآن شافعی، آیات الاحکام استرآبادی، آیات الاحکام جرجانی، احکام القرآن ابن عربی، احکام القرآن جصاص، احکام القرآن کیه‌راسی، فقه القرآن راوندی و کنز‌العرفان فی فقه القرآن فاضل مقداد اشاره کرد. این مجموعه عظیم نوشتاری که بر پایه دیدگاه مرجعیت تلفیقی قرآن و سنت به وجود آمده است، درباره تعداد آیات فقهی قرآن نیز هرکدام دیدگاهی را مطرح کرده که سرانجام به تعدد و تشتت اقوال و دیدگاه‌ها منجر شده است. یکی از پژوهش‌های جدید در زمینه تعداد آیات فقهی قرآن، پنج دیدگاه را مطرح و بررسی کرده است (صادقی فدکی، ۱۳۹۰: ۳۵-



۶۶). مقاله دیگری تحت عنوان «توسعه‌پذیری ظرفیت فقهی قرآن» به بررسی دیدگاه‌های موجود درباره تعداد آیات الاحکام پرداخته و از ظرفیت فقهی قرآن سخن گفته است. پژوهشی دیگر تحت عنوان «جایگاه قرآن در استنادهای فقهی اهل بیت»، ضمن اشاره به برخی از ابعاد فقهی قرآن، به جایگاه آن در استنباط احکام فقهی توجه نموده است.

با اذعان به ارزشمندی و وزانت آثار نگارش یافته در خصوص اقوال و دیدگاه‌های مطرح شده در مورد مرجعیت فقهی قرآن و تعداد آیات فقهی این کتاب آسمانی، اثری یافت نشد که مجموعه این اقوال و دیدگاه‌ها را در یک نوشتار به صورت جامع بررسی کرده باشد. تحقیق حاضر، علاوه بر دیدگاه‌های موجود درباره مرجعیت فقهی قرآن، اقوال و دیدگاه‌هایی که در زمینه تعداد آیات فقهی قرآن مطرح شده است را نیز به صورت نسبتاً جامع و منسجم پوشش داده است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی توصیفی، ضمن بازخوانی این اقوال و دیدگاه‌ها، به نقد و تحلیل آن‌ها نیز پرداخته است.

۱. مفهوم‌شناسی

در هر مقاله و کتاب، لازم است قبل از ورود به متن و بدنه اصلی، واژگان و اصطلاحات مبهم در آن، تعریف و مفهوم‌شناسی شود. در این نوشتار، دو کلمه نیازمند تعریف و مفهوم‌شناسی است که عبارتند از: «قرآن» و «مرجعیت».

۱-۱. قرآن

به گفته دانشمندان علم لغت و ادبیات عرب، کلمه «قرآن» بر وزن رجحان و غفران، مصدر «قَرَأَ» به معنای خواندن و تلاوت کردن است که به جای اسم مفعول (مقروء) به معنای خوانده‌شده و تلاوت‌شده به کار رفته است؛ همان‌گونه که کتاب به معنای نوشتن است، به «مکتوب» اطلاق می‌گردد که به معنای نوشته‌شده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱، ۱۶۲). لفظ قرآن نخستین بار در آیه چهارم و هم‌چنین آخرین آیه سوره مزمل وارد شده است که مطابق حدیث جابر بن زید و ابن عباس، سومین سوره در ترتیب نزول سوره‌ها است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱، ۸۱). قرآن در اصطلاح، به کلام الهی گفته می‌شود که در قالب آیات و سُور و به زبان عربی تدریجاً به حضرت محمد (ص) نازل گردید (عسکری، ۱۳۷۴: ۱، ۲۶۱). بنابراین،

قرآن اسم و «علم» برای کتاب آسمانی است که پس از نزول در لوح محفوظ، توسط فرشته وحی بر قلب پیغمبر اکرم^(ص) فرود آمد و آن حضرت، قرآن را با علم حضوری دریافت نموده و برای مردم قرائت کرده است (مصطفوی، ۱۳۷۱: ۷، ۲۲۲).

۱-۲. مرجعیت

کلمه «مرجعیت» مصدر صناعی «مرجع» است که از ماده «رجع» مشتق شده و به معنای بازگشت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱، ۱۴۱). درباره مفهوم مرجعیت گفته شده که منظور از آن، رجوع به یک صاحب نظر در رشته علمی خاص برای حل مشکل یا مسئله علمی مرتبط با آن رشته است یا رجوع به منبعی که حاوی اطلاعات و معلومات گوناگون است؛ (انوری، ۱۳۸۱: ۷، ۶۸۳) اما به صورت دقیق تر می توان مرجعیت را ایجاد و ارائه تصویری از واقعیت دانست که برای اقدام عملی به آن مراجعه می گردد و مراجعه کنندگان بر پایه دریافت تصویر شناختی از واقعیت های موجود در مرجع، اعمال و رفتار خویش را سامان می دهند (وحید، ۱۳۸۳: ۳۲۶). مرجعیت قرآن در فقه به معنای رجوع به این کتاب آسمانی برای دریافت احکام فقهی و عملی اسلام است.

۲. پیشینه دیدگاه های مرجعیت فقهی قرآن

برخی دیدگاه های مطرح شده درباره مرجعیت فقهی قرآن، در صدر اسلام ریشه دارد؛ در آخرین لحظات حیات پیغمبر اکرم^(ص) که آن حضرت وسایل کتابت درخواست نمود تا وصیتی داشته باشد، جمله «... و عندکم القرآن فحسبنا کتاب الله» بر زبان یکی از صحابه جاری شد (ابوری، بی تا: ۲۷). انگیزه گفتن این جمله هرچه باشد، معنا و مفهوم آن، نفی سنت و اعلان مرجعیت انحصاری قرآن برای احکام شرعی و فقهی است. هم چنین این جمله خلیفه اول جناب ابابکر در خطاب به گروهی از صحابه نیز دیدگاه مرجعیت انحصاری قرآن در استنباط و تشریع احکام فقهی را نشان می دهد؛ آنجا که به ایشان دستور داد، از رسول خدا^(ص) نقل حدیث نکنید؛ زیرا موجب اختلاف می گردد، سپس افزود: «فمن سألکم فقولوا: بیننا و بینکم کتاب الله، فاستحلّوا حلاله و حرّموا حرامه»؛ (ذهبی، بی تا: ۱، ۳) یعنی هرکس از شما سؤالی درباره حدیث نبوی داشت، بگویید: کتاب خدا میان ما موجود است، پس حلالش را حلال و حرامش را حرام بدانید.



سیاست منع نقل حدیث در دوره خلیفه دوم از شدت بیش‌تری برخوردار شد (ذهبی، بی‌تا: ۷، ۱) و این بدان معنا بود که دیدگاه مرجعیت انحصاری قرآن برای احکام شرعی پررنگ‌تر می‌شد. این وضعیت در دوره عثمان نیز ادامه یافت و به‌رغم توحید مصاحف و یکسان‌سازی نسخه‌های مختلف قرآن، از نقل و کتابت حدیث جلوگیری می‌شد (متقی هندی، بی‌تا: ۱۰، ۲۹۵). در دوره امام علی^(ع) با احیای سنت نبوی، شاهد تقویت دیدگاه تلفیقی هستیم که آن حضرت، قرآن و سنت را طریق هدایت دانست و انحصار مرجعیت را در یکی از آن‌ها، گمراهی توصیف نمود (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸). آن حضرت، به ترویج نقل و نگارش حدیث از پیغمبر اکرم^(ص) پرداخت و این حدیث معروف را از زبان رسول‌الله^(ص) نقل کرد: «هرکسی چهل حدیث برای اتم حفظ کند که اتم از آن بهره‌برد، خداوند او را در روز قیامت، فقیه و عالم خواهد برانگیخت»^۱. (متقی هندی، بی‌تا: ۱۰، ۲۹۴)

دیدگاه مرجعیت انحصاری قرآن در دوره امویان پیگیری شد و آن‌ها نیز از نقل و کتابت حدیث و سنت نبوی جلوگیری می‌کردند؛ معاویه با صراحت می‌گفت: «لا تحدّثوا عن رسول الله؛ از رسول خدا حدیث نقل نکنید» (خطیب بغدادی، بی‌تا: ۷، ۱). یزید بن معاویه درباره جابر بن نفیر به پدرش نوشت که از رسول‌الله^(ص) نقل حدیث می‌کند و قرآن را ترک کرده است. معاویه جابر را احضار و او را به مجازات شدید تهدید کرد (ذهبی، ۱۴۱۳: ۴، ۷۷).

به‌رغم ممانعت شیخین (خلیفه اول و خلیفه دوم)، عثمان بن عفان و اموی‌ها از نقل و کتابت سنت نبوی، دیدگاه تلفیقی در زمان حیات رسول‌الله^(ص) وجود داشته است و بسیاری از صحابه مانند: علی بن ابی طالب^(ع)، حسن بن علی^(ع)، سلمان فارسی، ابوذر، ابن عباس، جابر، عبدالله بن عمرو، انس، ابی رافع، سعد بن عبادة، رافع بن خدیج، حنظلة الکاتب، سمرة بن جندب، واثلة بن الأسقع، ابی هريرة و عائشة از آن حضرت حدیث نقل می‌کردند و برخی نیز آن‌ها را می‌نوشتند (جلالی، ۱۴۱۸: ۲۰۶). به روایت عائشه، ابوبکر خود نیز از رسول خدا^(ص) ۵۰۰ حدیث جمع‌آوری کرده بوده که بعد از رسیدن به خلافت، آن‌ها را در آتش سوزانده است (ذهبی، بی‌تا: ۱، ۵). سیره فقهی امامان شیعه، دیدگاه تلفیقی است؛

۱. «عن علی قال: قال رسول الله^(ص): من حفظ علی أمتی أربعین حدیثاً ینتفعون بها بعثه الله عز وجل یوم القيامة فقیها عالما».



یعنی قرآن و سنت در کنار هم منبع احکام فقهی را تشکیل می‌دهند و سنت نه تنها در تضاد با قرآن نبوده، بلکه مفسر و مکمل آن است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۶۹).

با شکل‌گیری مذاهب فقهی و پس‌از آن، در کنار مجامع حدیثی، آیات فقهی قرآن نیز تجمیع و تفسیر گردید که در مجموع ۱۰۸ عنوان کتاب در موضوع آیات فقهی قرآن گزارش شده است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲، ۱۷۹۵-۱۸۰۱). و اولین کتاب «آیات الاحکام» توسط محمد بن سائب کلبی (متوفی ۱۴۶ ق) از اصحاب امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) نگارش یافته است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸: ۱، ۴۱).

دیدگاه تلفیقی که قرآن و سنت را مرجع استنباط احکام فقهی می‌داند، تا سده یازدهم هجری قمری بر مذاهب فقهی اسلامی سیطره داشت و در قرن یازدهم هجری، جریانی تحت عنوان «اخباریگری» در میان فقهای شیعه به وجود آمد و با شعار «حسبنا اخبارالمعصوم» (جهانگیری، ۱۳۸۸: ۱۱۵) و با انکار حجیت ظواهر قرآن، دیدگاه مرجعیت انحصاری سنت را بنیان گذاشت. این نحله مدعی شد که در استنباط احکام فقهی، سنت و اخبار معصومین کفایت می‌کند و از قرآن نمی‌توان حکم فقهی استنباط کرد؛ زیرا ظواهر قرآن فاقد حجیت است (تنکابنی، ۱۳۵۸: ۱۴۷). در اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل سده سیزدهم هجری قمری، در میان اهل سنت، جریانی تحت عنوان «قرآنیون» شکل گرفت که سنت را به صورت مطلق فاقد اعتبار دانست و تنها قرآن را مرجع استنباط احکام فقهی اعلام نمود (الهی‌بخش، ۱۴۰۹: ۱۱۰). نظر قرآنیون را می‌توان دیدگاه مرجعیت انحصاری قرآن در استنباط احکام فقهی دانست که نطفه آن در دوره شیخین (خلیفه اول و خلیفه دوم) با شعار «حسبنا کتاب الله» منعقد شد.

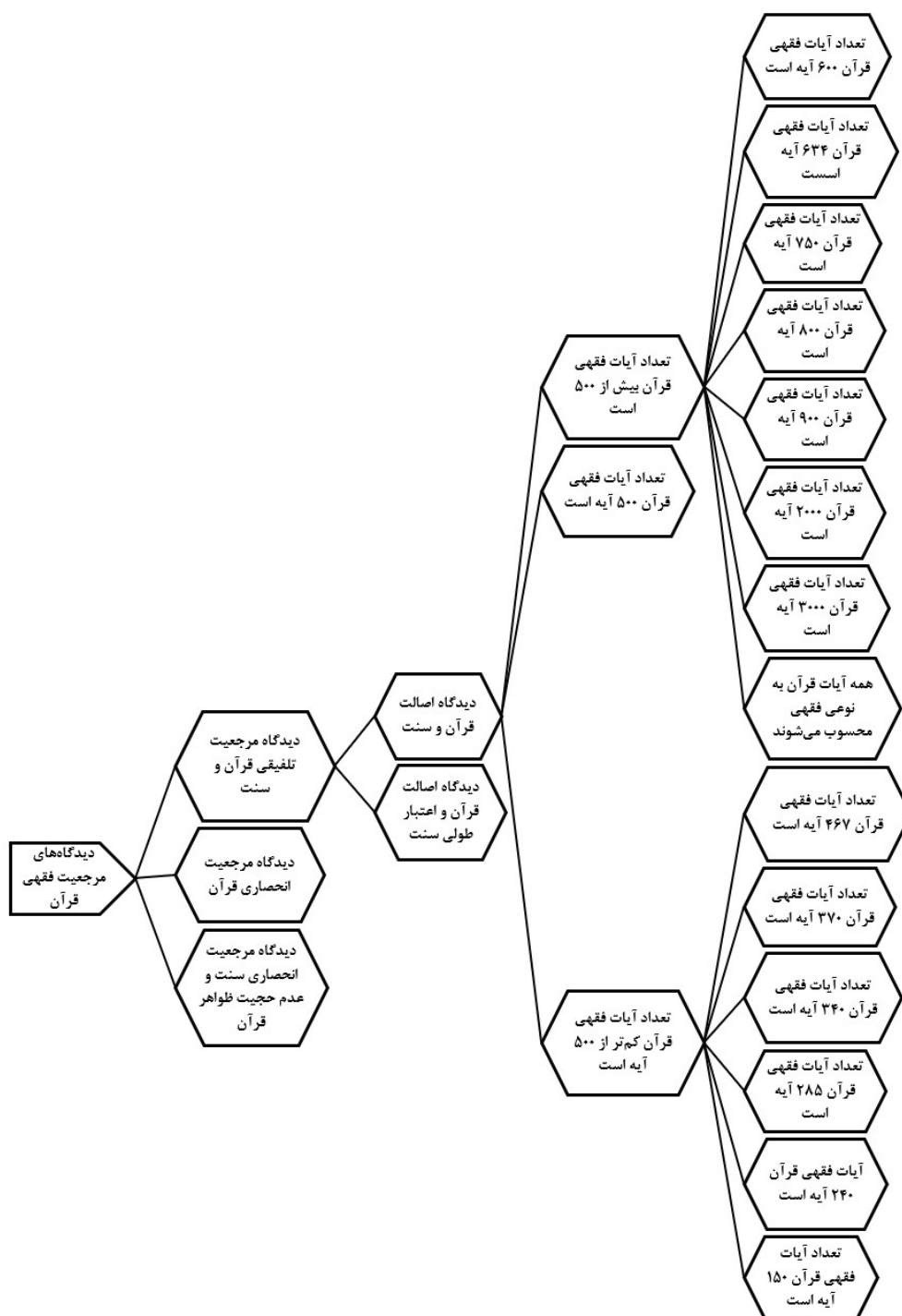
۳. مرجعیت فقهی قرآن و دیدگاه‌های مطرح درباره آن

با توجه به آیه ۸۹ سوره نحل و آیه ۵۹ سوره انعام، قرآن‌پژوهان نسبت به جامعیت قرآن و مرجعیت علمی این کتاب آسمانی توجه نموده‌اند. درباره مرجعیت علمی قرآن سه دیدگاه مطرح شده است: دیدگاه اول مدعی است که همه علوم و فنون در قرآن کریم وجود دارد؛ (غزالی، بی تا: ۱، ۲۸۹؛ زرکشی، ۱۳۷۶: ۲، ۱۸۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲، ۲۷۱؛ ذهبی، بی تا: ۲، ۴۷۸) دیدگاه دوم، بر این باور است که قرآن برای بیان احکام آخرت و مسائل جنبی



آن آمده است و شأن آن بالاتر از این است که دربارهٔ دنیای خاکی سخن بگوید. طبق این دیدگاه قرآن زبانی دیگر دارد و در مقام بیان مسائل معنوی و اخلاقی و تربیتی است، نه مسائل مرتبط با این دنیای خاکی؛ (شاطبی، بی تا: ۲، ۶۹؛ خرمشاهی، ۱۳۷۴: ۹۰) دیدگاه سوم آن است که قرآن کریم برای هدایت بشر نازل شده و اگر در قرآن به مسائل و مباحث علمی از قبیل؛ اقتصاد، حقوق، نجوم و ریاضی اشاره شده است، با هدایت بشر بی ارتباط نیست. بنابراین آیه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) دربارهٔ جامعیت قرآن سخن می گوید، ولی روشن کننده هر چیزی در موضوع خودش است و موضوع قرآن، هدایت بشر است؛ علوم تجربی، ریاضی و فیزیک، بلکه هر چیزی که دربارهٔ هدایت لازم باشد، در قرآن وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴، ۳۲۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۳، ۲۲۶). مرجعیت فقهی قرآن مربوط به هدایت انسان و مصالح دنیوی و اخروی وی است که از زمان نزول و عصر رسالت مورد توجه بوده و تا امروز به عنوان منبع اصلی و تردیدناپذیر احکام فقهی و شرعی در میان مسلمانان مطرح است. بدون شک قرآن مجید اولین منبع احکام و قوانین اسلامی است؛ احکام فقهی قرآن شامل احکام فردی و احکام اجتماعی می شود؛ احکام فردی نظیر حلال و حرام در خوردنی ها و نوشیدنی ها (اطعمه و اشربه)، صید و ذباحه، تجمل و زینت و مانند آن است و احکام اجتماعی قرآن شامل مباحث اجتماعی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی است که به بخش های فرعی تقسیم می شود؛ مانند احکام مدنی، احکام اقتصادی، احکام قضایی، احکام جزایی، احکام سیاسی، احکام بین المللی و غیر آن. باین وجود، دربارهٔ چگونگی مرجعیت فقهی قرآن، اختلاف نظر وجود دارد و سه دیدگاه کلی مطرح است: ۱. مرجعیت انحصاری قرآن کریم در استنباط احکام فقهی؛ ۲. عدم حجیت ظواهر قرآن و عدم امکان مرجعیت آن برای استنباط احکام فقهی؛ ۳. مرجعیت قرآن و سنت در استنباط احکام فقهی به صورت تلفیقی.

دیدگاه سوم نیز دارای دو زیرشاخه است: دیدگاه اصالت قرآن و حجیت طولی سنت و دیدگاه اصالت قرآن و سنت. اگر دیدگاه اصالت قرآن و سنت را دیدگاه مشهور میان مسلمانان بدانیم، اقوال و دیدگاه ها دربارهٔ تعداد آیات فقهی قرآن، می تواند زیرمجموعه آن محسوب شود.



نمودار دیدگاه‌های مطرح شده درباره مرجعیت فقهی قرآن و تعداد آیات فقهی آن.



۳-۱. مرجعیت انحصاری قرآن در احکام فقهی

مرجعیت فقهی قرآن به صورت انحصاری بدان معنا است که قرآن بدون سنت می‌تواند مرجع و منبع احکام فقهی باشد و در استنباط احکام فقهی می‌توان به قرآن بسنده کرد و این همان معنای «حسبنا کتاب الله» است. قرآن‌بستگی یا قرآن بدون سنت از زمان خلافت خلیفه اول کلید خورد و در دوره‌های دو خلیفه بعدی و امویان نیز ادامه یافت تا اینکه در سده سیزدهم هجری در میان اهل سنت به عنوان یک جریان، تحت عنوان «قرآنیون» ظاهر شد. این جریان نخست در شبه‌قاره هند ابراز وجود کرد (الهی‌بخش، ۱۴۰۹: ۱۱۰) و سپس به برخی از کشورهای عربی و مناطقی از جهان اسلام گسترش یافت (حکیم، ۱۴۰۲: ۷۶).

۳-۲. مرجعیت فقهی سنت و عدم حجیت ظواهر قرآن

این دیدگاه که در نقطه مقابل ادعای قرآنیون قرار دارد، توسط جریان اخباریگری پدید آمده و گروه تندروتر این جریان، به جای قرآن، سنت را مرجع احکام فقهی دانسته و مدعی عدم حجیت ظواهر قرآن شده است؛ زیرا ایشان فهم قرآن را تنها از طریق روایات امامان معصوم میسر می‌دانند (گرجی، ۱۳۹۵: ۲۵۲). چنان‌که محمدامین استرآبادی در فوائد المدنیه به این مطلب تصریح دارد (استرآبادی، ۱۴۲۶: ۲۵۴). اخباری‌ها معتقدند که معانی قرآن را باید امامان معصوم برای ما روشن سازند؛ زیرا معانی قرآن بالاتر از سطح فهم و درک افراد عادی است. یکی از مهم‌ترین دلایل آنان بر این مدعا، حدیثی است که از تفسیر به رأی منع کرده است. نتیجه دیدگاه اخباریان درباره قرآن این است که قرآن را بخوانید و بیوسید؛ اما چیزی از آن درک و فهم نکنید! (جناتی، ۱۳۶۶: ۱۳)

۳-۳. مرجعیت فقهی قرآن و سنت

مرجعیت فقهی قرآن و سنت به صورت غیر انحصاری، دیدگاه تلفیقی را تشکیل می‌دهد؛ یعنی قرآن در کنار سنت، دارای مرجعیت فقهی است و ضمن پذیرش مرجعیت فقهی سنت، قرآن نیز به عنوان مهم‌ترین منبع استنباط احکام شرعی، دارای مرجعیت فقهی است. دیدگاه تلفیقی نیز به دو شاخه تقسیم شده است؛ دیدگاه «اصالت قرآن و سنت» و دیدگاه «اصالت قرآن و اعتبار طولی سنت».



۳-۳-۱. اصالت قرآن و اعتبار طولی سنت

این دیدگاه در تعامل قرآن و سنت، اصالت را به قرآن می‌دهد و با اینکه قائل به اعتبار و حجیت سنت نیز است؛ اما آن را در طول قرآن قرار می‌دهد و مدعی است که تفسیر قرآن نیازمند حدیث نبوده و قرآن را می‌توان با قرآن تفسیر کرد؛ به عبارت دیگر، قرآن به‌عنوان منبع اصلی و جامع معارف دینی نیازمند سنت نیست و سنت صرفاً در طول قرآن قرار داشته و فاقد اصالت و حجیت ذاتی است. درواقع این دیدگاه بر دو رکن استوار است: رکن اول، قابل فهم بودن قرآن به صورت مستقل و عدم احتیاج تفسیر قرآن به سنت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳، ۸۶) و رکن دوم، توقف اعتبار و حجیت سنت به قرآن و قرار داشتن سنت در طول قرآن (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۴۳).

۳-۳-۲. اصالت قرآن و سنت

این دیدگاه در میان مسلمانان اعم از تشیع و تسنن مشهور است و ایشان سنت را در کنار قرآن دارای اصالت دانسته و به حجیت ذاتی آن قایلند و بر پایه این دیدگاه، تفسیر برخی از آیات قرآن با سنت دست‌یافتنی می‌گردد (خوبی، بی‌تا: ۳۹۷).

بر پایه این دیدگاه، سنت در کنار قرآن دارای اصالت بوده و از حجیت ذاتی برخوردار است و می‌تواند آیات قرآن اعم از فقهی و غیر فقهی را تفسیر کند و آن‌ها را تخصیص و تقیید بزند و جزئیات موضوع مطرح شده در قرآن را بیان کند؛ مانند بیان جزئیات نماز، زوره، زکات و غیر آن.

۴. دیدگاه‌های مطرح شده درباره تعداد آیات فقهی قرآن

دیدگاه اصالت قرآن و سنت در میان مسلمان مشهور است و بر پایه این دیدگاه، مرجعیت فقهی قرآن و سنت به‌عنوان دو منبع اصیل برای استنباط احکام شرعی شکل گرفته است. لذا در کنار نگارش مجامع حدیثی، آیات فقهی قرآن نیز مورد توجه واقع شده و درباره آن‌ها، کتب و آثار متعددی تحت عنوان «آیات الاحکام»، «احکام القرآن» یا «فقه القرآن» به نگارش درآمد که در این آثار درباره تعداد آیات فقهی قرآن، دیدگاه‌های متعدد و گوناگونی مطرح شده است.



۴_۱. دیدگاه اول

این دیدگاه که در میان عالمان و مفسران مشهور است، آیات فقهی قرآن را ۵۰۰ آیه می‌داند؛ (فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۱، ۵) برخی ضمن اشاره به شهرت این دیدگاه، ادعا کرده‌اند که مخالفی برای آن سراغ ندارد (فاضل تونی، ۱۴۱۵: ۲۲۶). شاید بر اساس این دیدگاه، برخی از دانشمندان و مفسران شیعه و اهل سنت که به تجمیع آیات فقهی قرآن و نگارش آیات الاحکام اقدام کرده‌اند، آثارشان را به «تفسیر خمس مائة آية» نام‌گذاری کرده‌اند؛ مانند «تفسیر خمس مائة آية فی الاحکام» نوشته مقاتل بن سلیمان (مربوط به قرن دوم هجری)؛ «تفسیر خمس مائة آية» تألیف ابوالمؤثر صلت بن خمیس (مربوط به سده سوم هجری)؛ «النهاية فی تفسیر الخمس مائة آية» تألیف احمد بن عبدالله بن سعید بحرانی (از علمای سده هشتم هجری)؛ «منهاج البدایه فی تفسیر آیات الاحکام الخمس مائة» نوشته احمد بن عبدالله بن حسن بحرانی (مربوط به قرن نهم هجری).

۴_۲. دیدگاه دوم

این دیدگاه آیات فقهی قرآن را کم‌تر از ۵۰۰ آیه می‌داند و به شش زیرشاخه تقسیم شده است: قول اول تعداد آیات فقهی قرآن را ۳۴۸ آیه دانسته است (موسوی دهرخی، ۱۴۲۶ ق: ۱۲) و قول دوم از «زبدۃ البیان» مقدس اردبیلی به دست می‌آید که تعداد آیات فقهی قرآن ۳۷۰ آیه است؛ زیرا به همین مقدار به عنوان آیات فقهی اکتفا کرده است؛ (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۲۲)؛ قول سوم مربوط به شیخ شلتوت است که تعداد آیات فقهی قرآن را ۳۴۰ دانسته و به این شکل تقسیم‌بندی نموده است: در عبادات ۱۴۰ آیه؛ در احکام ازدواج، طلاق، مهر، نفقه، حضانت، رضاع، نسب، عدّه، وصیت و ارث حدود ۷۰ آیه؛ در احکام معاملات مالی مثل بیع، اجاره، رهن، دین و تجارت حدود ۷۰ آیه؛ در احکام جرائم مثل قتل، سرقت، محاربه، زنا و قذف حدود ۳۰ آیه و به همین میزان در احکام جنگ و صلح (شلتوت، ۱۳۷۹: ۳۸۱).

قول چهارم از زیر مجموعه دیدگاه دوم تعداد آیات فقهی قرآن را ۲۲۳ آیه دانسته و آن‌ها را نسبت به احکام فقهی چنین دسته‌بندی کرده است: در زمینه احوال شخصیه، خانواده و خویشاوندان حدود ۷۰ آیه اختصاص دارد؛ آیات مربوط به احکام مدنی که به معاملات



افراد متعلق است ۷۰ آیه است؛ درباره احکام جنایی و جزایی، اموال، اعراض و حقوق ۳۰ آیه و درباره احکام مرافعات و متعلقات آن مانند قضا و شهادت ۱۳ آیه و درباره احکام مرتبط با فقه سیاسی و قواعد کلی برای تنظیم امور سیاسی جامعه و معین کردن رابطه حاکم و مردم ۱۰ آیه وجود دارد. درباره احکام بین‌المللی، معاملات دولت‌ها و مسایلی که در زمینه جنگ و صلح است، ۲۰ آیه و درباره احکام اقتصادی، مالی و مسائل محرومین نیز ۱۰ آیه است (خلاف، بی تا: ۳۴). قول پنجم از زیرمجموعه دیدگاه دوم، آیات فقهی قرآن را ۲۴۰ آیه دانسته (الامام، ۱۴۰۶: ۴۵۹) و قول ششم، آیات فقهی قرآن را ۱۵۰ آیه شمرده است (طنطاوی، ۱۴۲۵: ۱، ۳).

۴_۳. دیدگاه سوم

دیدگاه سوم، تعداد آیات فقهی قرآن را بیش از ۵۰۰ آیه دانسته (مکی عاملی، ۱۴۳۰ ق، ۲: ۶۵) که به هشت زیرشاخه تقسیم شده است؛ یعنی هشت قول در دیدگاه سوم وجود دارد: قول اول از «کولسون» مستشرق و قرآن‌پژوه غربی است که می‌گوید: «تعداد آیات فقهی قرآن ۶۰۰ آیه است که ۸۰ آیه آن به موضوعات حقوقی اختصاص دارد» (کولسون، ۱۴۱۲: ۳۱). قول دوم از ابن عربی است که تعداد آیات الاحکام را ۶۳۴ آیه دانسته است (بلعید، ۱۹۹۹: ۵۱). قول سوم تعداد آیات فقهی قرآن را ۷۵۰ آیه می‌داند، (خزایلی، ۱۳۸۵: مقدمه) قول چهارم تعداد آیات فقهی را به ۸۰۰ آیه رسانده است (فاکر میبدی، ۱۳۸۶: ۳۱) و قول پنجم که منسوب به عبدالله بن مبارک مروزی از فقیهان و محدثان قرن دوم هجری است، تعداد آیات فقهی قرآن را تا ۹۰۰ آیه شمرده است (قرضاوی، ۱۴۱۷: ۱۷).

قول ششم که آیات فقهی قرآن را تا ۲۰۰۰ آیه دانسته، به محمد بن احمد قرطبی از فقیهان و مفسران مالکی در سده هفتم هجری و محمد هادی معرفت از قرآن‌پژوهان معاصر منسوب است؛ (فاکر میبدی، ۱۳۸۶: ۵۳؛ معرفت، ۱۳۸۵: ۲، ۲۲۸) قول هفتم تعداد آیات فقهی قرآن را ۳۰۰۰ آیه تا نیمی از قرآن دانسته (صادقی فدکی، ۱۳۹۰، ۴۴) و قول هشتم که نیز به آیت‌الله محمد هادی معرفت نسبت داده شده، همه آیات قرآن را آیات الاحکام و آیات فقهی دانسته است (فاکر میبدی، ۱۳۸۶: ۵۳).



۵. نقد و بررسی اجمالی دیدگاه‌ها

درباره مرجعیت فقهی قرآن چهار دیدگاه مطرح است؛ دیدگاه قرآن‌بستگی یا مرجعیت انحصاری قرآن، دیدگاه سنت‌بستگی و عدم حجیت ظواهر قرآن، دیدگاه مرجعیت تلفیقی قرآن و سنت که به دو دیدگاه تبدیل شده است: دیدگاه اصالت قرآن و اعتبار طولی سنت و دیدگاه اصالت قرآن و سنت. درباره تعداد آیات فقهی قرآن نیز دیدگاه‌های متعدد و گوناگون مطرح شده است که مجموعاً به پانزده دیدگاه می‌رسد.

۵-۱. نقد و بررسی دیدگاه مرجعیت انحصاری قرآن

مبانی و دلایل مرجعیت انحصاری قرآن که توسط قرآنیون اقامه شده، توسط محققان به نقد کشیده شده و جواب آن‌ها به صورت مفصل و متقن ارائه شده است.^۱ مهم‌ترین ادعاهای قرآنیون را می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱. با توجه به جامعیت قرآن، نیازی به سنت نیست و «حسبنا کتاب الله»؛ ۲. و حیانی نبودن کلام پیامبر (ص)؛ یعنی قرآن وحی است و از جانب خدا نازل شده، اما کلام پیغمبر (ص) وحی نیست؛ (الهی بخش، ۱۴۰۹: ۲۱۴) ۳. حکم و داوری مخصوص خدا است: «ان الحكم الا لله» (انعام، ۵۷؛ یوسف، ۴۰) که در قرآن تبلور یافته و سخن پیغمبر نمی‌نواند حکم خدا باشد؛ (الهی بخش، ۱۴۰۹: ۲۱۹) ۴. سخنان پیغمبر (ص) تاریخ مصرف دارد و فقط در دوره حیات آن حضرت معتبر است (الهی بخش، ۱۴۰۹: ۲۳۱).

در پاسخ ادعای اول باید گفت: اولاً بسیاری از عبادات واجب، به صورت کلی در قرآن مطرح شده و جزئیات آن‌ها تنها از طریق سنت قابل دستیابی است؛ مانند نماز، روزه، حج و غیر آن؛ ثانیاً در قرآن آیاتی وجود دارد که به اطاعت از فرمان رسول خدا (ص) فرامی‌خواند؛ مانند آیات ۵۹ سوره نساء، ۹۲ سوره مائده، ۴۶ سوره انفال، ۵۴ سوره نور، ۳۳ سوره محمد و ۱۳ سوره مجادله؛ ثالثاً قرآن پیغمبر اکرم (ص) را تبیین‌کننده آیات قرآن دانسته است: «وَ

۱. ر. ک. سید احمد هاشمی علی‌آبادی و محمد مهدی داوری‌پناه، بررسی و نقد مبانی فکری قرآنیون در مورد قرآن‌بستگی و نابسندگی سنت رسول اکرم (ص) با تکیه بر آرای دکتر احمد صبحی منصور، نشریه علمی آینه معرفت دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۹۸؛ مرضیه بلخاری قهی، مکتب قرآنیون و نقد مدعای آن در عدم حجیت سنت نبوی، فصلنامه تخصصی قرآن و حدیث سفینه، سال پانزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۹۶؛ زینب طیبی و محمد علی مهدوی‌راد، نقد مبانی قرآنیون در نفی حجیت، احراز و اثبات سنت نبوی، دوفصلنامه علمی پژوهشی کتاب‌قیم، سال هفتم (۱۳۹۶)، شماره شانزدهم.



أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ (نحل: ۴۴) رابعاً عموم مفسران آیات قرآن را با سنت تفسیر می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۳: ۶، ۵۵۸؛ شبّر، ۱۴۱۲: ۲۷۱؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۴، ۷۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۰، ۲۱۲).

ادعای دوم قرآنیون به دو دلیل مردود است؛ اولاً در قرآن، سخن پیغمبر^(ص) وحی دانسته شده است؛ یعنی تنها آنچه جبرئیل بر پیغمبر^(ص) نازل می‌کند، وحی نیست، بلکه سخنان خود آن حضرت نیز وحی محسوب می‌شود: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید» (نجم: ۳ و ۴). آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست؛ ثانیاً قرآن به صورت مطلق فرموده است؛ آنچه را پیامبر^(ص) دستور داد، انجام دهید و از آنچه نهی کرد، دوری کنید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷). ادعای سوم قرآنیون با آیات قرآن در تعارض است که فرمود: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳ و ۴). نیز فرموده است: «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»؛ (نساء: ۸۰) کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است. ادعای چهارم قرآنیون نیز با آیات قرآن تعارض دارد؛ زیرا قرآن، حضرت محمد^(ص) را پیامبر کافه مردم و خاتم پیامبران توصیف کرده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا»؛ (سبا: ۲۸) «ما كان مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب: ۴۰).

۵-۲. نقد و بررسی دیدگاه سنت‌بستگی و عدم حجیت ظواهر قرآن

در واکنش به ظهور و گسترش اخباریگری، عالمان اصولی به نقد و ردّ تفکر اخباریگری پرداختند و بر حجیت ظواهر قرآن استدلال کردند که می‌توان به فاضل تونی (صاحب الوافیة فی الاصول)، وحید بهبهانی، میرزای قمی، شیخ جعفر کاشف الغطا، شیخ مرتضی انصاری، آیت الله محمدکاظم آخوند خراسانی و دیگران، اشاره کرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۷۵).

اگر دلایل و مبانی دیدگاه سنت‌بستگی و اخباریگری وجود اخبار منع از تفسیر به‌رأی و برتر بودن فهم قرآن از سطح عقول بشر و هم‌چنین اجمال قرآن به خاطر نسخ و تخصیص باشد، (انصاری، بی‌تا: ۱، ۵۶-۵۷) در پاسخ می‌توان گفت: اولاً عمل به ظاهر کلام،



تفسیر به رأی نیست، بلکه اگر بعد از «فحص» یا جستجوی نسخ، تخصیص و اراده خلاف ظاهر کلام، به آن عمل شود، می‌تواند یک امر عقلایی باشد؛ ثانیاً تفسیر به رأی آن است که بر خلاف ظاهر واضح کلام عمل شود یا اینکه در معنای کلام دو احتمال وجود داشته باشد و مخاطب یکی را با استحسان شخصی و عقل قاصر خود ترجیح دهد. درواقع، فهم ظواهر قرآن تفسیر به رأی محسوب نمی‌شود، بلکه حدیث منع از تفسیر به رأی، مربوط به بطون قرآن است؛ ثالثاً عدم حجیت ظواهر قرآن، شامل عدم حجیت ظواهر حدیث نیز می‌شود؛ یعنی اگر ظواهر قرآن را حجت ندانیم، باید ظواهر اخبار را نیز مشمول این قاعده بدانیم؛ رابعاً روایات متعددی وجود دارد که بر جواز تمسک به قرآن دلالت دارد؛ مانند روایت ثقلین، روایت لزوم عرضه اخبار متعارض به قرآن، روایات لزوم تدبر به قرآن و روایات استناد ائمه^(ع) در احکام فقهی به قرآن؛ (انصاری، ۱: ۵۷-۵۹) خامساً احتمال وجود نسخ و تخصیص، موجب لزوم فحص و جستجوی موجودیت نسخ، تخصیص و یافتن اراده خلاف ظاهر می‌گردد، نه عدم حجیت ظواهر قرآن (انصاری، ۱: ۶۱).

۵-۳. نقد و بررسی دیدگاه اصالت قرآن و اعتبار طولی سنت

اگرچه قرآن آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی است که بر پیامبر آخرالزمان نازل شده و اولین منبع شریعت اسلام و احکام شرعی است؛ (خطبه: ۱۹۸) اما حدیث نیز دارای حجیت ذاتی است؛ به دلیل تجلی اسماء و صفات الهی در وجود پیغمبر خاتم^(ص) و اتصال ایشان به منبع وحی، سنت آن حضرت در ردیف وحی قرار دارد (نجم: ۳ و ۴) و در مذهب شیعه، امامان معصوم و سنت ایشان مصداق «ثقل اصغر» در حدیث ثقلین است که هرگز از قرآن جدا نمی‌گردد و تمسک به هردوی آن‌ها نجات‌بخش و مانع از گمراهی است (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷، ۳۴).

اگر قرآن منبع اصیل و حدیث منبع غیر اصیل دانسته شود و اعتبار آن در طول قرآن قرار گیرد، نمی‌تواند قرآن را تفسیر کند و جزئیات کلیات مطرح شده در قرآن را بیان نماید.

۵-۴. نقد و بررسی دیدگاه‌ها درباره تعداد آیات فقهی قرآن

آرای متکثر و مختلفی که درباره تعداد آیات فقهی قرآن مطرح گردیده است، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا در این باره با تعدد و تنوع دیدگاه‌ها مواجه هستیم؟ به نظر می‌رسد



اختلاف در مبانی و پارادایم‌های استنباط فقهی موجب اختلاف در آرا و دیدگاه‌ها گردیده است. کسانی که تنها افعال جوارحی را موضوع احکام فقهی می‌دانند، به آیات کم‌تری به‌عنوان آیات فقهی قرآن می‌رسند؛ اما کسانی که افعال جوانحی (قلبی) را نیز موضوع احکام فقهی بدانند، آیات فقهی قرآن را افزایش خواهند داد. هم‌چنین کسانی که از آیات اعتقادی قرآن حکم فقهی نیز استنباط می‌کنند، آیات فقهی قرآن را بیشتر می‌دانند. مثلاً آیه ۸۱ سوره آل‌عمران مربوط به موضوع اعتقادی (نبوت) است؛ اما برخی از فقها حکم فقهی حجیت شهادت و اقرار را به‌عنوان ادله اثبات دعوا، از این آیه استنباط کرده‌اند (حایری، ۱۴۲۳: ۷۳۱). هم‌چنین فقیهانی که از آیات اخلاقی قرآن، حکم فقهی استنباط می‌کنند، تعداد آیات فقهی قرآن نزد آن‌ها افزایش قابل توجهی پیدا می‌کند. مانند آیه ۸ سوره مؤمنون، آیه ۵۳ سوره اسراء، آیه ۲۹ سوره اسراء، آیه ۲۷ سوره انفال، آیه ۲۲ سوره نور و مانند آن‌که مربوط به صفات اخلاقی است، ولی حکم فقهی نیز از آن‌ها قابل استنباط است. اگر از آیات قصص و تاریخ، حکم فقهی استنباط گردد، تعداد آیات فقهی قرآن، بسیار افزایش پیدا خواهد کرد. مثلاً از آیه ۱۹ سوره کهف مربوط به اصحاب کهف، در حکم فقهی وکالت استدلال شده است (راوندی، ۱۴۰۵: ۱، ۳۸۸). هم‌چنین در مشروعیت قرعه به آیه ۴۴ سوره آل‌عمران استدلال شده (عاملی، ۱۴۱۹: ۷، ۵۰۸) که درباره قصه حضرت مریم و داستان تکفل سرپرستی ایشان است.

بنابراین با توجه به اختلاف مبانی در استنباط احکام فقهی از آیات قرآن، شکل‌گیری دیدگاه‌های متعدد و متنوع درباره تعداد آیات فقهی قرآن دور از انتظار نیست و نمی‌توان هیچ کدام از دیدگاه‌ها و اقوال را تأیید یا تخطئه کرد؛ اما بر مبنای استفاده حداکثری از ظرفیت فقهی قرآن، اقوال موجود درباره تعداد آیات فقهی قرآن راه صواب را نپیموده‌اند؛ زیرا تعداد آیات فقهی قرآن به مراتب بیشتر از آن مقداری است که در اقوال نامبرده، تعیین شده است و رسیدن به تعداد جامع از آیات فقهی قرآن، نیازمند پژوهش فراگیر در این خصوص است. از طرف دیگر، تمام آیات قرآن نمی‌تواند مستند و مرجع حکم فقهی باشد؛ زیرا برخی از آیات قرآن، قطعاً برای حکم فقهی قابل استناد نیست؛ مانند آیاتی که صرفاً مشتمل بر حروف مقطعه‌اند.

نتیجه‌گیری

درباره مرجعیت فقهی قرآن در استنباط احکام شرعی، چهار دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه مرجعیت انحصاری قرآن، دیدگاه مرجعیت انحصاری سنت، دیدگاه تلفیقی با نگرش بر اصالت قرآن و اعتبار طولی سنت و دیدگاه اصالت قرآن و سنت در مرجعیت فقهی. از میان این چهار دیدگاه، دیدگاه چهارم (اصالت قرآن و سنت در مرجعیت فقهی) در بین مسلمین مشهور بوده و قابل دفاع است.

درباره تعداد آیات فقهی قرآن، حدود پانزده قول و دیدگاه شکل گرفته است که این تعداد و تشتت با توجه به اختلاف مبانی و پارادایم‌های استنباطات فقهی دور از انتظار نیست و بر پایه هر مبنا، به تعداد خاصی از آیات به عنوان آیات فقهی می‌توان رسید که هیچ‌کدام قابل تأیید یا تخطئه نیست؛ اما بر مبنای استفاده حداکثری از ظرفیت فقهی قرآن، دیدگاه‌های موجود راه صواب را نیموده‌اند و رسیدن به تعداد جامع از آیات فقهی قرآن، نیازمند پژوهش فراگیر در این خصوص است.





فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. ابوریه، محمود، (بی تا)، اضواء علی السنه المحمدیه، قاهره: دارالمعارف.
۳. استرآبادی، محمدامین، (۱۴۲۶ ق)، الفوائد المدنیه، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴. الامام، محمد بن الحسین، (۱۴۰۶ ق)، منتهی المرام فی شرح آیات الاحکام، صنعاء: دار الیمینیه للنشر و التوزیع.
۵. انصاری، شیخ مرتضی، (بی تا)، فرائد الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. انوری، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
۷. ایازی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، فقه پژوهی قرآنی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
۸. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، (۱۴۰۸ ق)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۹. بلعید، صادق، (۱۹۹۹ م)، القرآن و التشریع، بی جا: مرکز النشر الجامع.
۱۰. تنکابنی، سید محمد رضا، (۱۳۵۸)، ایضاح الفوائد، تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۱۱. جلالی، سید محمد رضا، (۱۴۱۸ ق)، تدوین السنه الشریفه، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. جناتی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۶)، غلبه اجتهاد بر اخباریگری، مجله کیهان اندیشه، شماره ۱۴، ۲۲ ص ۴-۲۵.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ ق)، تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۴. جهانگیری، محسن، (۱۳۸۸)، رابطه اجتهاد و اخباریگری، مشهد: نشر صبرا.
۱۵. حائری، سید کاظم، (۱۴۲۳ ق)، القضاء فی الفقه الاسلامی، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۶. حکیم، محمد طاهر، (۱۴۰۲ ق)، السنه فی مواجهه الاباطل، بی جا: مطبوعات رابطه العالم الاسلامی.



۱۷. خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۴)، «بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم»، مجله بینات، شماره ۵، صص ۹۰-۹۷.
۱۸. خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران: نشر ناهید.
۱۹. خزائلی، محمد، (۱۳۸۵)، احکام القرآن، قم: دنیای دانش.
۲۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، (بی‌تا)، تاریخ بغداد، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۱. خلاف، عبد الوهاب، (بی‌تا)، علم اصول الفقه، قاهره: مكتبة الدعوة.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم، (بی‌تا)، البیان فی تفسیر القرآن، بی‌جا: بی‌نا.
۲۳. ذهبی، شمس‌الدین، (۱۴۱۳ ق)، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۴. ذهبی، شمس‌الدین، (بی‌تا)، تذکرة الحفاظ، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. ذهبی، محمدحسین، (بی‌تا)، التفسیر والمفسرون، بیروت: دارالقلم.
۲۶. راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵ ق)، فقه القرآن، قم: چاپخانه ولایت.
۲۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: انتشارات مرکز ترجمه و نشر بین‌المللی المصطفی.
۲۸. زركشی، بدرالدین، (۱۳۷۶ ق)، البرهان، بیروت: دار احیاء الکتب العربی.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱ ق)، الإیتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العربی.
۳۰. شاطبی، ابواسحاق، (بی‌تا)، الموافقات، بیروت: دارالمعرفه.
۳۱. شبر، سید عبدالله، (۱۴۱۲ ق)، تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالبلاغه للطباعة و النشر.
۳۲. شلتوت، شیخ محمود، (۱۳۷۹ ق)، الاسلام عقیده و شریعة، قاهره: مطبوعات الاداره العامه.
۳۳. صادقی فدکی، سیدجعفر، (۱۳۹۰)، «بررسی و نقد پنج دیدگاه مطرح درباره تعداد آیات الاحکام قرآن کریم»، مجله پژوهش‌های فقهی، سال هفتم، شماره چهارم، صص ۳۵-۶۶.
۳۴. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۸)، قرآن در اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.



۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۳۸. طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶ ق)، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۳۹. طنطاوی جوهری (۱۴۲۵ ق)، *الجواهر فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۰. عاملی، سید جواد بن محمد، (۱۴۱۹ ق)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴۱. عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعہ*، قم: مؤسسه آل البيت.
۴۲. عسکری، سید مرتضی (۱۳۷۴)، *القرآن الکریم وروایات المدرستین*، قم: کلیه اصول الدین.
۴۳. غزالی، محمد بن محمد (بی تا)، *احیاء العلوم*، بیروت: دارالمعرفه.
۴۴. فاضل تونی، ملا عبدالله بن محمد، (۱۴۱۵ ق)، *الوافیه فی الاصول*، بی جا: مجمع الفکر الاسلامی.
۴۵. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله، (۱۴۱۹ ق)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، بی جا: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۴۶. فاکر میبدی، محمد، (۱۳۸۶)، *بازپژوهی آیات فقهی قرآن*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۴۷. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۸. قرضاوی، یوسف، (۱۴۱۷ ق)، *الاجتهاد فی الشریعہ الاسلامیه*، کویت: دارالعلم.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۰. کولسون، نوئل جیمز، (۱۴۱۲ ق)، *فی تاریخ التشریع الاسلامی*، (ترجمه: محمد احمد السراج)، بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع.
۵۱. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، *تاریخ فقه و فقهها*، تهران: انتشارات سمت.
۵۲. متقی هندی، علی بن حسام (بی تا)، *کنز العمال*، بی جا: بی نا.
۵۳. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱)، *معارف قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.



۵۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۷۱)، *التحقیق فی کلمات قرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۵۵. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۵)، *تفسیر و مفسران*، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
۵۶. مکی عاملی، محمد بن محمد، (۱۴۳۰ق)، *الدروس الشرعیه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵۷. موسوی دهرخی، محمود، (۱۴۲۶ق)، *الجمان الحسن فی آیات الاحکام*، تهران: لاهوت.
۵۸. وحید، مجید، (۱۳۸۴)، «نگاهی به مشکل سیاستگذاری عمومی در ایران در قالب جامعه شناسی سازمان‌ها و با بهره‌گیری از مفهوم مرجعیت»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۴، ص ۳۱۷-۳۳۰.
۵۹. الهی‌بخش، خادم‌حسین، (۱۴۰۹ق)، *القرآنیون و شبهاتهم حول السنه*، طائف: مکتبه الصدیق.